

یهودیان ایرانی

استاد: دکتر فکوهی

دانشجو: حسین یزدان پناه

فهرست مطالب

- چکیده
- مقدمه
- روش شناسی تحقیق
- مفاهیم تحقیق
- فصل اول: پیشینه حضور یهودیان در ایران
 - تاریخچه حضور در ایران
 - هامن و یهودیان
 - دوران اشکانیان
 - دوران ساسانی
 - دوره اسلامی
 - عصر مغول
 - از صفویه تا قاجار
 - سلسله پهلوی و پادشاهی رضا شاه
- فصل دوم: مهاجرت به اسرائیل و شرایط سیاسی حاکم بر روابط دو کشور
 - سلسله پهلوی و پادشاهی محمد رضا شاه
 - انقلاب اسلامی
 - شرایط فعلی در ایران
 - تبعیض علیه یهودیان
 - ارتباط با یهودیان خارج از ایران
 - مراکز یهودیان ایران
 - آموزش یهودی در ایران
 - جاذبه های دیدنی یهودی ایران
 - یهودیان ایرانی در خارج از مرزهای ایران
 - یهودیان ایرانی مشهور
- منابع

چکیده

این مقاله به بحث درباره یهودیانی که در سرزمین ایران ساکن شده اند می پردازد؛ و رفتار ایرانیان را در ادوار مختلف تاریخی بررسی می کند. چگونگی تبعیضها و آزادیهای یهودیان را مورد بررسی قرار می دهد و تاثیری را که این تبعیضها و آزادیها بر مهاجرتهای یهودیان از ایران به سایر کشورها داشته است مورد نظر قرار می دهد و همچنین سرنوشت یهودیان ایرانی را در سایر کشورها تا حدی بررسی می کند.

کلیدواژگان: یهودیان ایرانی - صهیونیسم - Tanakh - شَبَات - کاشر - نتوری کارت **Neturei Karta**

مقدمه

حضور دین یهود و یهودیان در ایران به تاریخی دور می رسد. دین یهود از قدیمی ترین دینهای موجود در ایران می باشد. بخشهای عظیمی از کتاب مقدس به وقایع مربوط به زندگی یهودیان ساکن ایران اشاره دارد و حتی نام ایران همپای نام ارض موعود در کتاب مقدس ذکر می شود. هنوز هم ایران بیشترین تجمع جمعیت یهودی ساکن یک کشور مسلمان را دارا می باشد.

یهودیان ایرانی با تاریخی پرفراز و نشیب روبرو بوده اند: از آزادی بزرگی که به دست کورش در ۵۰۰ پیش از میلاد به آنان داده شد که نقطه عطفی در تاریخ یهود بعد از شکنجه ها و آزارهای رفته شده بر آنان در بابل و بدست نبوکد نصر بود. در دوران اشکانیان آنان از اقلیتهای تحت حکومت خود محافظت می کردند و یهودیان نیز در جنگهای بین پارتیان و رومیها متحد پارتیها شدند. در دوران ساسانیان دین زرتشت دین رسمی حکومت گردید و در نتیجه سایر دینها تا حدی سرکوب شدند. در دوران بعد از اسلام و بعد از آنکه ایران توسط مسلمانان فتح شد، یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان ایران عنوان ذمی گرفتند آنان می توانستند بر دین خود باقی بمانند ولی باید علاوه بر خراج جزیه نیز می پرداختند. این شرایط تا زمان حمله مغولها باقی بود. در عصر مغول رفتار با ادیان مختلف مورد تساهل بیشتری قرار گرفت. آنها از اقلیتهای دینی برای پستهای اجرایی استفاده می کردند و آزادیهای بیشتری برای اقلیتهای قایل بودند. در دوران صفویه وضع یهودیان بدتر گردید و این آزارها در دوران قاجار نیز ادامه پیدا کرد. در دوران رضا شاه نگاه سنتی به یهودیان کاهش یافت و محدودیتهای اعمال شده بر اقلیتهای مذهبی برداشته شد. بعد از انقلاب اسلامی و برگشت امام خمینی(ره) از تبعید، ایشان با نمایندگان جامعه یهودیان ایران دیدار کرد و فتوایی صادر کرد تا بر اساس آن از یهودیان حمایت شود. به هر حال پس از تمام این آمد و شد ها باید گفت که اکنون جامعه یهودی ایران از ثبات قابل قبولی برخوردار است. جامعه یهودی ایران دارای افراد بسیار معروفی است که در سراسر دنیا حضور دارند و پستهای مهمی را دارا هستند و هرگز حس ایرانی بودن خود را فراموش نکرده اند. بسیاری از یهودیان ساکن در ایران امکان این را دارند که به خارج از ایران مهاجرت کنند و حتی به انجام مهاجرت تشویق نیز می شوند ولی اکثریت مطلق آنها همچنان در ایران باقی مانده اند و خود را ایرانی می دانند.

روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق عمدتاً با استفاده از منابع اینترنتی انجام شده است. از سایتهایی ذکر شده در قسمت منابع استفاده شده است. همچنین از مطالب سایتهای خبری برای دستیابی به جدیدترین خبرها درباره جامعه یهودیان بهره برداری شده است.

مفاهیم تحقیق

یهودیان ایرانی: یهودیان ایران، ایرانیان یهودی به آن دسته از ایرانیانی اطلاق می‌شود که از نظر تاریخی در پادشاهی ایران و یا ایران کنونی زندگی می‌کردند.

صهیونیسم: یک جریان سیاسی و همچنین ایدئولوژی می‌باشد که خواستار تشکیل وطنی برای یهودیان در سرزمین فلسطین می‌باشد.

تنخ Tanakh: خلاصه‌ای از سه اسم تورات Torah، نوییم Nevi'im، کتوویم Ketuvim می‌باشد که در مجموع عهد عتیق یا قسمت عبری کتاب مقدس را تشکیل می‌دهد.

شبّات: نام عبری این روز یوم السبت می‌باشد. بر طبق کتاب مقدس خداوند شش روز به آفرینش مشغول بود و روز هفتم استراحت کرد. یهودیان به حرمت این روز دست از کار می‌شویند و در خانه به دعا و نیایش مشغول می‌شوند.

کاشر: یهودیان مانند مسلمانان فقط اجازه دارند تا از گوشت ذبح شده و غذای آماده شده بر طبق آیین دینی خود استفاده کنند. به غذایی که به این شیوه آماده شود کاشر می‌گویند.

نتوری کارت Neturei Karta: که به زبان آرامی به معنای محافظین شهر می‌باشد،

فرقه‌ای از یهودیان (Ultra-Orthodox) Haredi می‌باشند که صهیونیسم را رد می‌کنند و خواستار برچیده شدن دولت اسرائیل می‌باشند. مرکز اصلی آنان اورشلیم است و شعبات اصلی آنان در نیویورک و بیت شمش Beit Shemesh در نزدیکی اورشلیم است.

فصل اول: پیشینه حضور یهودیان در ایران

یهودیان ایران، ایرانیان یهودی به آن دسته از ایرانیانی اطلاق می شود که از نظر تاریخی در پادشاهی ایران زندگی می کردند و یا در ایران کنونی زندگی می کنند.

دین یهودی از قدیمی ترین دینهای موجود در ایران می باشد و سابقه حضور آن در ایران به دوران ثبت شده در کتاب مقدس باز می گردد. کتابهای اشعیا، دانیال، نحمیا، کتاب تواریخ و استر به وقایع مربوط به زندگی یهودیان ساکن ایران می پردازد.

عنوان یهودیان ایرانی به تمامی یهودیانی اطلاق می شود که در ایران ساکن بودند و می باشند و به یکی از زبانهای ایرانی صحبت می کنند. به ایرانیان ساکن اسرائیل که اکثریت مطلق آنان یهودی می باشند عنوان **Parsim** به معنای پارسیان داده شده است.

بیشترین تجمع یهودیان ایرانی در اسرائیل می باشد که بر طبق آمار سال ۱۹۹۳ و با احتساب نسل دوم یهودیان ایرانی بر ۷۵۰۰۰ بالغ می شود.^۱ در ایالات متحده حدود ۴۵۰۰۰ یهودی ایرانی نسل اول ساکن هستند که اکثریت مطلق آنان در لوس آنجلس و ناحیه گریت نِک **Great Neck** نیویورک زندگی می کنند. بر طبق آمار مختلف بین ۳۰۰۰۰ تا ۴۰۰۰۰ یهودی در ایران زندگی می کنند که عدد ۳۵۰۰۰ رقمی است که اکثر منابع ذکر می کنند. اکثر این یهودیان در تهران، اصفهان و شیراز زندگی می کنند. به نقل از **BBC** در یزد هنوز ۱۰ خانواده یهودی ساکن هستند که حداقل ۶ خانواده از طریق ازدواج با هم نسبت دارند؛ گرچه بعضی ها تعداد یهودیان ساکن یزد را بیشتر تخمین می زنند. در طول تاریخ بسیاری از شهرهای ایران میزبان یهودیان بودند و هنوز هم ایران بیشترین جمعیت یهودی ساکن در یک کشور مسلمان را داراست.^۲ همچنین اقلیت یهودی ایرانی در اروپای غربی، استرالیا و کانادا وجود دارد. در طول تاریخ بعضی از گروه های یهودی ایرانی از بدنه اصلی جدا شده اند و گروه های قومی مذهبی جدیدی را به وجود آورده اند و اکنون به نامهای متفاوتی خوانده می شوند؛ مانند یهودیان بخارا و یهودیان کوهستان. همچنین چندین هزار مسلمان در ایران هستند که والدینشان از یهودیت به اسلام گرویده اند.

تاریخچه حضور در ایران

نبوکدنصر سه بار در قرن ۶ پیش از میلاد یهودیان ساکن پادشاهی یهودیه را به بابل تبعید کرد. این سه تبعید مجزا در کتاب ارمیاء (۳۰-۲۸: ۵۲) ذکر شده است. اولین تبعید در سال ۵۹۷ پیش از میلاد در زمان پادشاهی یهوه یاقیم بود که در طی آن معبد اورشلیم تا حدی آلوده شد و بعضی از

سران قوم به عنوان گروگان به اورشلیم برده شدند. ۱۱ سال بعد شورش جدید رخ داد و در نتیجه شهر با خاک یکسان شد و تعداد زیادی به بابل برده شدند. ۵ سال بعد شورش دیگری رخ داد و در پی آن تبعیدی جدید صورت گرفت. در سال ۵۳۷ پیش از میلاد کورش کبیر بر بابل غلبه کرد و به یهودیان اجازه بازگشت به سرزمین اصلی را داد که بر طبق کتابهای نحمیا و اذرا بیش از ۴۰۰۰۰ نفر حاضر به بازگشت شدند. کورش به آنان آزادی مذهبی داد و دستور داد تا معبد دوم بر خرابه های معبد اول ساخته شود. اما ساخت معبد در زمان داریوش اول و تحت نظارت حجّی و زکریا صورت گرفت. معبد در سال ۵۱۵ پیش از میلاد آماده تقدیس شد.

هامان و یهودیان

بر طبق کتاب استر، هامان نجیبزاده ای آگاهایی بود که مشاور و وزیر دربار شاه آهاسوئروس نیز بود، که متخصصان کتاب مقدس معمولاً با خشایارشا یکی می دانند. او و همسرش زرش تصمیم به نابودی یهودیان پارس گرفتند ولی استر که همسر یهودی شاه بود نقشه او را خنثی کرد و در نتیجه هامان و ده پسرش اعدام شدند. این وقایع را در جشن عظیم پوریم یهودیان سالانه گرامی می دارند.

دوران اشکانیان

منابع یهودی درباره پارتیان و اشکانیان صحبت نمی کنند، زیرا نام پارتیان اصلاً ذکر نمی شود. در کتاب "وقایع نگاری مختصر" از شاهزاده ارمنی، ساناکروتس، که به خانواده سلطنتی اشکانیان تعلق داشت با نام **Diadochoi** یا یکی از جانشینان اسکندر نام برده می شود. در همان دوران، شاه سوریه انتیوخوس سیدیتس **Antiochus Sidetes**، به همراهی هیرکانوس اول به ناحیه بابل تحت کنترل اشکانیان هجوم برد و به سال ۱۲۹ پیش از میلاد در کنار رود زاب لشکر پارتیان را شکست داد و به دلیل روز شبات و جشن هفته ها دو روز لشکر اردو زد و متوقف شد. در سال ۴۰ پیش از میلاد، شاه دست نشانده یهودی، هیرکانوس دوم، به دست اشکانیان افتاد و آنان بر طبق رسم خود، گوشه های او را بردند تا او را از ادعای مجدد سلطنت باز دارند. به نظر می رسد یهودیان بابل قصد داشتند هیرکانوس تبعیدی را مستقل از سازمان کاهنان اورشلیم به منصب کاهن گادول (کاهن اعظم) برسانند ولی عکس آن رخ داد. یهودی بابلی، به نام **Ananel**، به منصب تازه تاسیس کاهن گادول بابل رسید که نشان دهنده میزان آزادی و اهمیت یهودیان بابل است. گرچه هنوز در

تمامی موارد دینی وابسته به سرزمین مقدس بودند و در فستیوالهای مهم به زیارت ارض مقدس می رفتند.

پادشاهی اشکانیان، علیرغم سیستم نامتمرکز آن، بسیار پایدار بود. قطعا نبود حکومت مرکزی قوی نکات منفی نیز به همراه داشت، مانند پدید آمدن حکومت یهودی در نهارده **Nehardea**. اما میزان تساهل و تسامح حکومت اشکانی به همان اندازه هخامنشیان شگفت آور بود. در بعضی از منابع ذکر شده است که شاهان پارتی آدیابن **Adiabene** به یهودیت گرویدند. اینگونه وقایع نه تنها نشانگر تساهل و تسامح دولت اشکانی بود، بلکه همچنین نشان می داد که آنان به چه میزان خود را وارث کورش کبیر می دیدند. آنها آنچنان از اقلیتهای تحت حکومت خود محافظت می کردند که یک ضرب المثل قدیمی یهودی می گوید: "هروقت یک اسب جنگی پارتی را بسته بر سنگ قبری در سرزمین اسراییل دیدی، بدان که ساعت ظهور مسیح نزدیک است."^۳

یهودیان بابل خواستار آن بودند که همراه یهودیان ساکن یهودیه با وِسپاسین **Vespasian** بجنگند، ولی در زمان امپراطور ترایان **Trajan** بود که یهودیان در نهایت در جنگ علیه او شرکت کردند و تا حدی به دلیل شورش یهودیان بابل بود که رومیها نتوانستند حاکم بابل شوند. به نقل از فیلو **Philo** جمعیت یهودی زیادی در بابل ساکن بودند و قطعا پس از خرابی اورشلیم بر جمعیت یهودی ساکن آن به شدت اضافه شد. یهودیان اورشلیم همیشه برای کمک به شرق نگاه می کردند و می دانستند که یهودیان بابل توانایی رساندن کمک به آنان را دارند. با سقوط اورشلیم، بابل به پایگاه اصلی یهودیت بدل شد. پس از شکست شورش بار کوچبا **Bar Kochba** قطعا بر جمعیت آوارگان یهودی ساکن بابل افزوده شد.

در جنگهای بین پارتیان و رومیها، یهودیان دلایل بسیاری داشتند تا از رومیان متنفر باشند، زیرا رومیان مکانهای مقدس آنان را از بین برده بودند، و این باعث شد تا یهودیان خواستار اتحاد با پارتیها شوند. پادشاهان اشکانی شاهزادگان تبعیدی را که تا آن زمان فقط حاکمان محلی و جمع آوران مالیات بودند، به درجه شاهزادگی، **Resh Galuta**، ترفیع دادند، که این امر احتمالا در قدردانی از خدمات این قوم بوده است. به این ترتیب، یهودیان ایرانی دارای قدرتی متمرکز شدند که در همه حال پشتیبان آنان باشد و شرایط پیشرفت آنان را هموار کند و مشکلات داخلی آنان را برطرف نماید.

دوران ساسانی

در ابتدای سده سوم، تاثیر پارسیان در حال اوج گرفتن بود. در زمستان ۲۵۶ پس از میلاد، اردشیر اول آخرین پادشاه ساسانی را شکست داد و اشکانیان را بر کنار کرد و سلسله ساسانیان را تاسیس کرد. در زمان اشکانیان فرهنگ هلنیستی در بین اشکانیان و پارتیان تاثیری شدید گذاشته بود، ولی در این سلسله جدید، بخش ایرانی فرهنگ تقویت شد و از زبان پهلوی پشتیبانی کردند و دین قدیمی زرتشتی دین رسمی حکومت گردید.^۴ در نتیجه سایر دینها تا حدی سرکوب شدند. کتیبه ای از زمان بهرام دوم (۲۹۳-۲۷۶) یافت شده است که بر روی آن نام دینهای بودایی، یهودیت، مسیحیت دیده می شود و بهرام دوم ادعا می کند که آنان را نابود کرده است.

شاپور دوم (که شکل آرامی آن **Shvor Malka** است) با یهودیان روابط حسنه ای داشت. دوستی او با جامعه یهودیان و شخص شمویل **Shmuel** برای آنان منافع زیادی به همراه داشت. مادر شاپور دوم یهودی بود و این یکی از دلایل آزادی نسبی یهودیان در زمان او بود. او همچنین دوست یکی از ربی های یهودی ذکر شده در تلمود به نام ربا **Raba** بود. ربا از طریق نزدیک شدن به شاهنشاه توانست قوانین ظالمانه بر ضد یهودیان را لغو کند و ممنوعیتهای اعمال شده بر ضد آنان را بر دارد. حتی ربا بهترین شاگردش را که آبايه **Abaye** نام داشت، **Shvur Malka** می نامید که به معنای شاپور شاه یود؛ زیرا آن شاگرد بسیار زیرک و باهوش بود.

البته یهودیان و مسیحیان گاهی به شدت تحت آزار واقع می شدند ولی یهودیان به دلیل اینکه در شهرهای بزرگ و به شکل گروه های متنفذ و قدرتمند زندگی می کردند، معمولا از این مسایل آسیب بسیار کمتری می دیدند. معمولا دوره کوتاهی از آزار و اذیت وجود داشت و در پی آن دوره طولانی بی توجهی به جامعه یهودی دیده می شد. گرچه در دوره یزدگرد دوم و پیروز، یهودیان به شدت آسیب دیدند و تحت شدیدترین آزارها قرار گرفتند.

دوره اسلامی (۱۲۵۵-۶۳۴)

پس از آنکه ایران توسط مسلمانان فتح شد؛ یهودیان، مسیحیان و زرتشتیان ایران عنوان ذمی گرفتند و با آنان به عنوان شهروندان درجه دوم جامعه اسلامی رفتار می شد. کافران ذمی اجازه داشتند تا بر دین خود بمانند، آداب دینی خود را برپا دارند ولی از سوی دیگر مجبور بودند علاوه بر خراج، جزیه نیز به فاتحان عرب بپردازند. همچنین آنان مجبور بودند یک سری از قوانین و آداب خاص را بپذیرند؛ مانند اینکه حق حمل سلاح نداشتند، در بعضی اوقات اجازه سوارکاری از آنان گرفته می

شد و در دادگاه‌ها، هنگامی که یکی از طرفین مسلمان بود، اجازه شهادت دادن نداشتند. در بسیاری از این دورانها، آنان مجبور بودند تا لباسهای متمایزی از مسلمانان بپوشند. اگرچه در بعضی زمانها این قوانین و محدودیتها تا حدی نادیده گرفته می شدند ولی این شرایط ناعادلانه تا زمان فتح ایران به دست مغولها باقی بود.

عصر مغول (۱۳۱۸-۱۲۵۶)

در ۱۲۵۵، مغولها به رهبری هولاکوخان به سایر نقاط ایران که هنوز به تصرف مغولان در نیامده بود هجوم آوردند و در ۱۲۵۷ بغداد را تسخیر کردند و به خلافت عباسی پایان بخشیدند. در ایران ایلخانان بر سر کار آمدند و چون در نظر آنان تمامی ادیان برابر بودند، قوانین ناعادلانه برضد ذمیها بر طرف شد. ارغون شاه، یکی از حاکمان ایلخانی، یهودیان و مسیحیان را برای پستهای اجرایی بر مسلمانان ترجیح می داد و به عنوان مثال سعد الدوله را که یک یهودی بود به منصب وزارت خود برگزید. این انتصاب به هیچ وجه مورد پسند علما مسلمان قرار نگرفت و پس از مرگ ارغون شاه در ۱۲۹۱، سعد الدوله کشته شد و یهودیان ایران به شدیدترین وجهی تحت آزارهای بسیار قرار گرفتند. به گفته مورخ مسیحی همعصر با این وقایع، بار هبریوس **Bar Hebraeus**، خشونتی که علیه یهودیان اعمال شد "نه زبان قادر است بیان کند و نه قلم که بنگارد"^۵ هنگامی که غازان خان در سال ۱۲۹۵ به اسلام گروید، سرآغاز دورانی تاریک برای یهودیان بود. آنان دوباره ذمی به حساب آمدند. جانشین غازان خان، الجایتو، کنیسه های بسیاری را از بین برد و فرمان داد تا یهودیان نشانه ای را بر سر ببندند؛ البته مسیحیان نیز در این سرنوشت شریک بودند. بعضی از یهودیان تحت این فشارها اسلام آوردند. معروفترین این تازه مسلمانان، رشید الدین بود که طبیب، تاریخدان و سیاستمداری بود که برای پیشرفت در دربار الجایتو اسلام را انتخاب کرده بود. ولی در سال ۱۳۱۸، او را به اتهام واهی مسموم کردن الجایتو اعدام کردند و سر او را چندین روز در شهر تبریز به گردش درآوردند. در حدود ۱۰۰ سال بعد، میرانشاه قبر او را خراب کرد و بقایای او را در یک قبرستان یهودی دفن کردند. اتفاقی که برای رشیدالدین افتاد، بیانگر نوع رفتار ایرانیان با یهودیان تازه مسلمان بود که با سایر کشورهای مسلمان فرق داشت. مشابه این سوء رفتار در شمال آفریقا نیز دیده میشد. در اکثر کشورهای مسلمان به نومسلمانان اکرام می شد و آنان را به راحتی در جمع خود می پذیرفتند. ولی در ایران یهودیانی که تغییر مذهب داده بودند را تا چندین نسل بعد هم نمی پذیرفتند و به دلیل سابقه یهودی، آنها را خوار می شمردند.

از صفویه تا قاجار (۱۹۲۵-۱۵۰۲)

در دوران حکومت صفویه وضع یهودیان باز هم بدتر شد. غیر مسلمانان را نجس می دانستند، پس به همین دلیل هر نوع تماسی با آنان باعث می شد تا فرد مسلمان پیش از ایستادن به نماز غسل کند. به همین دلیل، حکمفرمایان و بیشتر از آنها مردم عامی روابط خود را با آنان محدود کردند. یهودیان اجازه نداشتند همراه با مسلمانان به حمامهای عمومی بروند و با در روزهای بارانی و برفی از خانه خارج شوند؛ زیرا باران ناپاکی را از آنان به یک مسلمان منتقل می کرد.

حکومت شاه عباس در ابتدا برای یهودیان نیک بود؛ یهودیان اجازه یافتند در اصفهان ساکن شوند و وضعیت مالی آنان بسیار بهتر شد. ولی در دوران پایانی سلطنت او وضع یهودیان بد شد. به پیشنهاد یک یهودی که تغییر دین داده بود و مسلمان شده بود، یهودیان مجبور به پوشیدن علامتی خاص بر روی لباسشان شدند. در سال ۱۶۵۶، به دلیل آنکه یهودیان نجس دانسته می شدند، تمامی یهودیان اصفهان مجبور به تغییر دین و یا خروج از اصفهان شدند. ولی در پی اینکه مشخص شد یهودیان تغییر دین داده در خفا بر دین سابق پایبند هستند و مراسم مذهبی خود را انجام می دهند، و از آنجا که خزانه کشور به دلیل نبود جزیه نقصان دیده بود، در سال ۱۶۶۱ یهودیان اجازه یافتند به دین سابق خود رجعت کنند ولی مجبور بودند که علامت مشخصه ای بر روی لباس خود داشته باشند.

در زمان پادشاهی نادرشاه سنی (۱۷۴۷-۱۷۳۶) دین رسمی ایران، مذهب تشیع، ملغی شد و یهودیان دوره کوتاهی از تساهل و تسامح مذهبی را تجربه کردند و حتی اجازه یافتند تا در شهر مشهد ساکن شوند. ولی با به روی کار آمدن سلسله قاجار شیعه مذهب در سال ۱۷۹۴ آزار و اذیت سابق از سر گرفته شد. در میانه سده نوزدهم **J.J. Benjamin** درباره زندگی یهودیان ایران این چنین نوشته است: "...آنها مجبور هستند در گوشه ای از شهر جدا از سایر مردم زندگی کنند...؛ زیرا آنان را موجوداتی کثیف می دانند... و به بهانه اینکه نجس هستند، به بدترین وجهی با آنان برخورد می کنند و در صورتی که وارد خیابان مسلمانان شوند، یچه ها و جمعیت حاضر در آن خیابان به آنان سنگ و گل ولای پرتاب می کنند... و به همین دلیل در هنگامی که باران می آید حق بیرون رفتن ندارند؛ زیرا چنین فکر می کنند که آنان آب باران را نجس کرده و پای مسلمانان را کثیف می کنند... اگر در خیابان متوجه شوند که کسی یهودی است، شدیدترین توهینها را به او می کنند. ابران به صورت او آب دهان خواهند انداخت و او را ضرب و شتم خواهند کرد... بیرحمانه... هنگامی که یک یهودی وارد مغازه ای می شود، حق بازرسی کالا و اجناس را ندارد... اگر دستان او ناخواسته به کالایی بخورد، مجبور است آن کالا را به هر قیمتی که فروشنده طلب می کند بخرد... گاهی

مسلمانان وارد خانه یهودیان می شوند و هرچه را که دلشان می خواهد بر می دارند. اگر صاحب مال کوچکترین مقاومتی بکند، حیات خود را به خطر می اندازد... اگر... یک یهودی در سه روز پایانی دهه اول محرم خود را در خیابان نشان دهد... قطعا کشته می شود.^۶

لرد کرزون تفاوت در وضع زندگی یهودیان مناطق مختلف ایران را چنین بیان می کند: "در اصفهان، که گفته می شود وضع زندگی آنان از سایر نقاط ایران بهتر است، اجازه به سر گذاشتن کلاه ندارند، حق ندارند در بازار حجره ای داشته باشند، دیوار خانه شان به بلندای دیوار همسایه مسلمانان باشد و در خیابانها سواره حرکت کنند. در تهران و کاشان آنان به تعداد زیاد زندگی می کنند و جایگاهی نسبتا خوب دارند. در شیراز وضع زندگی آنان بسیار بد است. در بوشهر آنان آزادانه زندگی می کنند و هیچ نوع آزاری در موردشان صورت نمی گیرد."

در سده نوزدهم موارد بسیاری از تغییر دین اجباری و قتل عام در باره یهودیان اعمال شد. در ۱۸۳۰ بعضی از یهودیان تبریز قتل عام شدند؛ در همان سال بعضی از یهودیان شیراز مجبور به تغییر دین شدند. گرچه بر اساس گزارش سیاحان اروپایی، یهودیان مراسم دینی خود را علیرغم تهدیدهای دایمی در خفا انجام می دادند. یهودیان بارفروش در سال ۱۸۶۶ مجبور به تغییر دین شدند و تنها با دخالت سفیران بریتانیا و فرانسه بود که آنان اجازه یافتند به دین خود برگردند؛ ولی در آشوبی که در پی آن پدید آمد ۱۸ یهودی کشته شدند، که دو تن از آنان زنده زنده به آتش کشیده شدند. در سال ۱۹۱۰ یهودیان شیراز متهم به کشتن آیینی یک دختر مسلمان شدند. در پی آن کل محله یهودیان غارت شد و اولین کسانی که غارت را آغاز کردند سربازانی بودند که از سوی حاکم محلی برای دفاع از سکنه یهودی شهر فرستاده شده بودند. ۱۲ یهودی که سعی کرده بودند از اموال خود دفاع کنند کشته شدند و بسیاری نیز زخمی شدند. در پایان سده نوزدهم و ابتدای سده بیستم، هزاران یهودی ایرانی، به دلیل شرایط غیر قابل تحمل، به فلسطین مهاجرت کردند.

سلسله پهلوی و پادشاهی رضا شاه

این سلسله خواستار مدرن کردن ایران بود، و در نتیجه فرمهای آنان وضع یهودیان ساکن ایران بهتر شد. تأثیرات نگاه سنتی به یهودیان کاهش یافت و محدودیتهای اعمال شده بر اقلیتهای مذهبی برداشته شد. رضا شاه تغییر دین گروهی را ممنوع اعلام کرد و این ایده نجس بودن غیر مسلمانان را ممنوع اعلام کرد. در مدارس یهودی زبان عبری مدرن را جزو برنامه درسی آنان کرد و روزنامه های یهودی منتشر شد و همچنین یهودیان اجازه یافتند شغل‌های دولتی داشته باشند. ولی با تمام این

احوال، مدارس یهودی در دهه ۱۹۲۰ تعطیل شد و نزدیکی رضا شاه با آلمان نازی، یهودیان ایران را تا حدی نگران ساخت.

فصل دوم: مهاجرت به اسرائیل و شرایط سیاسی حاکم بر روابط دو کشور

سلسله پهلوی و محمد رضا شاه

در سال ۱۹۴۸ دولت اسرائیل تاسیس شد و این مساله باعث تشدید حس یهودی ستیزی در ایران شد. ضعف دولت مرکزی و جنگ قدرت بین مصدق، شاه و آیت الله کاشانی بر این احساسات افزود. بر اساس تخمین ها حدود یک سوم یهودیان ایران در بین سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۵۳ به اسرائیل مهاجرت کردند که اکثر آنان به دلیل وضع بد مالی دست به مهاجرت زدند. بعضی رقم کلی مهاجران ایرانی به اسرائیل را در بین سالهای ۱۹۴۸ تا ۱۹۷۸ در حدود ۷۰۰۰۰ تخمین می زند. سرنگونی محمد مصدق و استقرار پادشاهی محمد رضا شاه، دوران شکوفایی یهودیان در ایران است. در دهه ۷۰ فقط ده درصد یهودیان زیر خط فقر زندگی می کردند؛ ۸۰ درصد طبقه متوسط بودند و ۱۰ درصد جزو طبقه مرفه به حساب می آمدند. با اینکه در سال ۱۹۷۹ یهودیان درصد بسیار کمی از جمعیت ایران را تشکیل می دادند ولی ۲ نفر از ۱۸ عضو آکادمی علوم، ۸۰ نفر از ۴۰۰۰ استاد دانشگاه و ۶۰۰ نفر از ۱۰۰۰۰ دکتر در ایران یهودی بودند.

پیش از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹، ۸۰۰۰۰ یهودی در ایران ساکن بودند و در تهران (۶۰۰۰۰)، شیراز (۸۰۰۰)، کرمانشاه (۴۰۰۰)، اصفهان (۳۰۰۰) و در همچنین در شهرهای کاشان، تبریز و همدان ساکن بودند.

پیش از تاسیس اسرائیل در ۱۹۴۸، در شهر ارومیه ۷۰۰ خانوار یهودی ساکن بودند که زبان مادری آنان آرامی بود ولی در سال ۲۰۰۶ فقط دو خواهر در ارومیه باقی مانده اند.

انقلاب اسلامی (از ۱۹۷۹)

در زمان تاسیس دولت اسرائیل در ۱۹۴۸ حدود ۱۴۰۰۰۰ تا ۱۵۰۰۰۰ یهودی ایرانی در ایران ساکن بودند؛ و باید به خاطر داشت که ایران مرکز تاریخی یهودیان ایرانی Parsim می باشد. در سال

۱۹۷۹ هنوز ۸۰۰۰۰ یهودی در ایران ساکن بودند ولی در پی انقلاب اسلامی مهاجرت از ایران به شدت افزایش یافت و به فاصله چندین ماه پس از انقلاب اسلامی حدود ۲۰۰۰۰ یهودی ایران را ترک کردند. در اواسط و اواخر دهه ۸۰ جمعیت یهودیان ایران در حدود ۲۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰ نفر تخمین زده می شد. در اواسط دهه ۹۰ جمعیت اقلیت یهودی در حدود ۳۵۰۰۰ تخمین زده می شد و جمعیت کنونی آنان در حال حاضر حدود ۴۰۰۰۰ نفر می باشد که ۲۵۰۰۰ آنان در تهران ساکن هستند. علیرغم این مهاجرتهاى عظیم که در طی سالیان اخیر روی داده است، ایران در بین کشورهای اسلامی بیشترین میزان جمعیت یهودی را داراست.

امام خمینی(ره) در پی بازگشت از تبعید در پاریس با نمایندگان جامعه یهودیان ایران دیدار کرد و فتوایی صادر کرد تا بر اساس آن از یهودیان ایران حمایت شود. نکته جالب این است که در ایران اسلامی یهودیان مذهبی تر شدند. خانواده هایی که در دهه ۷۰ سکولار شده بودند، شروع به اطاعت از قوانین مذهبی کردند؛ کاشر را رعایت کردند و حرمت شبات را نگاه داشتند. به دلایل بسیاری از رفتن به سینما، رستوران و کافه های عمومی پرهیز کردند و کنیسه ها به مرکز زندگی اجتماعی آنان بدل شد. به گفته هارون یشیایی **Haroun Yashyaei**، تهیه کننده فیلم و رییس سابق انجمن مرکزی یهودیان ایران: "امام خمینی جامعه ما را با اسرائیل و صهیونیسم یکی ندانست- او ما را ایرانی دید." ^۷

دولت جمهوری اسلامی ایران تلاش بسیار کرد تا بین صهیونیسم که یک نگاه سیاسی سکولار است ولی از نمادهای مذهبی یهودیت استفاده می کند و خود یهودیت که دین موسی(ع) است تفاوت قایل شود.

در ۱۶ مارس ۱۹۷۹ حبیب القانین که رهبر افتخاری جامعه یهودیان بود به اتهام فساد مالی، ارتباط با اسرائیل و صهیونیسم، دوستی با دشمنان خداوند، جنگ با خدا و نمایندگان او و امپریالیسم اقتصادی بازداشت شد. یک دادگاه انقلابی او را محاکمه و به اعدام محکوم کرد. او در ۸ مه همان سال اعدام شد. در سال ۲۰۰۰، یک گروه ۱۳ نفره از یهودیان ارتدوکس در شیراز به اتهام جاسوسی برای اسرائیل بازداشت شدند. این ماجرا اعتراضات بین المللی را در پی داشت و در نهایت پس از چند سال دیپلماسی پنهان، آنان آزاد شدند.^۸ در سال ۲۰۰۶ داستانی ساختگی در روزنامه نشنال پست **National Post** باعث جنجال مطبوعاتی عظیمی در دنیا شد. داستان از این قرار بود که مجلس ایران طرحی را در دست بررسی دارد که بر اساس آن اقلیتهای مذهبی در ایران باید نشانی رنگی بر روی لباس خود بپوشند تا از مسلمانان شناخته شوند. مرکز سیمون ویزنتال

Simon Wiesenthal Center هم این ماجرا را تایید کرد.^۹ بعدا مشخص شد که این داستان ساختگی است و مبدع آن هم امیر طاهری، خبرنگار ایرانی تبار سازمان **Benador Associates speakers bureau** بود.

علیرغم مخالفت شدید دولت ایران با کشور اسرائیل و همچنین تشویقهای انجمن عبری کمک به مهاجران **Hebrew Immigrant Aid Society** و درخواست مسوولان دولت اسرائیل و رهبران جامعه یهودیان آمریکا برای مهاجرت به اسرائیل و ترک ایران، یهودیان ایران در این کشور باقی مانده اند؛ و این در شرایطی است که معمولا اجازه سفر به اسرائیل و مهاجرت به سایر کشورها داده می شود. بر طبق آمار **HAI** بین اکتبر ۲۰۰۵ تا سپتامبر ۲۰۰۶، ۱۵۲ یهودی ایران را ترک کردند که این کاهش شدیدی را از سال پیش از آن نشان می دهد. زیرا در سال پیش از آن ۲۹۷ نفر مهاجرت کرده بودند و در سال پیش از آن نیز ۱۸۳ نفر ایران را ترک کرده بودند. به گفته همین منابع، اکثریت مطلق این مهاجران مسایل مالی و خانوادگی را دلیل ترک ایران ذکر کرده بودند و نه مسایل سیاسی.

شرایط فعلی در ایران

جامعه یهودی ایران به عنوان یک اقلیت دینی در قانون اساسی ایران ثبت شده است و مانند زرتشتیان یک کرسی مجلس به آنان اختصاص دارد. موریس معتمد در سال ۲۰۰۰ به عنوان نماینده یهودیان انتخاب شد و در سال ۲۰۰۴ نیز توانست در انتخابات بعدی این کرسی را حفظ کند.

اکنون تهران ۱۱ کنیسه دارد و اکثر آنها مدارس عبری نیز دارند. دو رستوران کاشر، یک خانه سالمندان و یک قبرستان یهودیان نیز وجود دارد. یک کتابخانه یهودی با ۲۰۰۰۰ عنوان کتاب نیز وجود دارد. یهودیان ایران روزنامه خود به نام "افق بینا" را منتشر می کنند و محققان یهودی در کتابخانه مرکزی انجمن یهودیان به پژوهشهای خود در زمینه دین یهود می پردازند. بیمارستان یهودی دکتر سپیر بزرگترین بیمارستان خیریه در ایران است که یک اقلیت آنرا نگهداری می کند؛^{۱۰} گرچه اکنون دیگر اکثر کارمندان و بیماران آن مسلمان هستند.^{۱۱}

تبعیض علیه یهودیان

مانند سایر اقلیتهای حاضر در ایران، یهودیان نیز دچار بعضی تبعیضها

می باشند؛ به خصوص در زمینه اشتغال، آموزش و مسکن. به یهودیان پستهای مهم در دولت و یا ارتش داده نخواهد شد و از اشتغال در قوه قضاییه و نیروهای امنیتی باز داشته شده اند و امکان انتصاب آنان به عنوان مدیر مدرسه وجود ندارد.

جو ضد اسراییلی، به همراه این تفکر بعضی مسلمانان که همه یهودیان از اسراییل حمایت می کنند، گاه باعث یه وجود آمدن جوی ضد یهودی شده است. در سال ۲۰۰۴، اکثر روزنامه های ایرانی در یکصدمین سال انتشار کتاب مجعول و ضد یهودی "پروتکل بزرگان صهیون" مقالاتی در باب خطر صهیونیسم منتشر کردند. یهودیان گاهی هدف کاریکاتورهای روزنامه های ایران می شوند. در بسیاری موارد نیز رهبران جامعه یهودی توجه مسوولان را به سوءرفتارهای اعمال شده جلب نمی کنند.

گرچه در اقدامی بی سابقه، تنها عضو یهودی مجلس، موریس معتمد، اقدام دولت در برگزاری نمایشگاه کاریکاتور درباره هولوکاست را به شدت محکوم کرد. او همچنین نامه ای به آقای رییس جمهور نوشت و اعتقاد او را در نفی هولوکاست زیر سوال برد و آنرا "توهین بزرگی به همه یهودیان دنیا" دانست.

برطبق سیستم قضایی ایران اقلیتهای مذهبی در هنگام جرح و یا فوت دیه بسیار کمتری از مرد مسلمان دریافت می کنند.^{۱۲}

یهودیان در برگزاری مراسم مذهبی خود تقریباً آزاد هستند؛ گرچه حوزه آموزش دچار مشکلاتی می باشد. دولت ایران آموزش زبان عبری را مجاز می داند، زیرا دانستن آن برای برگزاری بسیاری از مراسم یهودی الزامی است. ولی چاپ و گسترش متون عبری بسیار محدود است؛ که این در عمل آموختن زبان عبری را دشوار کرده است. علاوه بر آن، بسیاری از مدارس یهودی در هماهنگی با سیستم آموزشی کشور در روز شنبه، شبات، باز می مانند و کلاسها دائر هستند. از آنجا که کار کردن و یا به کلاس رفتن در روز شبات ناقض قوانین یهودی است، این الزام باعث شده است که یهودیان مذهبی با به کلاس رفتن، حرمت شبات را بشکنند.

با آنکه استعمال الکل در ایران حرام است ولی بر طبق منابع تایید نشده به اقلیتها اجازه تولید و مصرف مشروبات الکلی داده شده است.

شهروندان یهودی اجازه داشتن پاسپورت و سفر به خارج را دارند؛ گرچه به استثنای بعضی مسافرتهاى تجارى، سایر یهودیان باید اجازه رسمی از دولت دریافت کنند و مبلغ بیشتری هم هزینه

کنند. دولت ایران نگران مهاجرت یهودیان می باشد و معمولا اجازه خروج به همه اعضای یک خانواده در یک زمان داده نمی شود.

ارتباط با یهودیان خارج از ایران

یهودیان ایران اجازه برقراری رابطه با جوامع یهودی خارج از ایران را ندارند، مگر اینکه آنها با موجودیت اسرائیل ستیز داشته باشند؛ مانند نتوری کارتا **Neturei Karta**. خاخامهای این فرقه بارها به ایران سفر کرده اند.

سفر به اسرائیل برای تمام شهروندان ایران ممنوع می باشد و این مساله مشخصا در صفحه آخر گذرنامه اتباع ایران ذکر شده است. اگرچه به گفته موريس معتمد در سالهای اخیر، دولت ایران اجازه داده است تا شهروندان یهودی با اعضای خانواده خود در اسرائیل دیدار کنند و همچنین دولت به ایرانیان ساکن اسرائیل اجازه داده است تا به ایران برای ملاقات اعضای خانواده خود بیایند. به تماسهای فرهنگی محدود اجازه داده می شود، مانند مارس ۲۰۰۶ که به یک تیم زنان یهودی ایران اجازه داده شد تا در فستیوال رقصهای محلی یهودی در روسیه شرکت کنند.

مراکز یهودیان ایران

اکثر یهودیان در حال حاضر در پایتخت، تهران، زندگی می کنند و در سال ۱۹۹۶ سه کنیسه فعال بود، گرچه از همان سال نیز در ایران خاخامی وجود ندارد. به طور سنتی شهرهای شیراز، اصفهان، بابل، همدان و نهاوند دارای سکنه یهودی قابل توجهی بودند. قبرستان یهودیان در جنوب تهران برای ساخت یک پروژه ساختمانی تخریب شده است.^{۱۳} در حال حاضر در سراسر ایران ۲۵ کنیسه وجود دارد.

آموزش یهودی در ایران

در سال ۱۹۹۶، در تهران هنوز مدارس یهودی وجود داشت که یهودیان در آنها در اکثریت باشند ولی مدیران یهودی تعویض شده اند. برنامه آموزشی تحت تاثیر برنامه آموزشی اسلامی قرار دارد و کتاب مقدس **Tanakh** نیز به فارسی، و نه به عبری، آموزش داده می شود. سازمان **Ozar Hatorah** روزهای جمعه کلاس عبری برگزار می کند. شنبه دیگر به عنوان شبات تعطیل نیست و دانش آموزان یهودی اجبارا باید در مدرسه حاضر شوند.

جاذبه های دیدنی یهودی ایران

تقریباً هر شهر قدیمی ایران دارای مکانی قدیمی یهودی، زیارتگاه و جاذبه توریستی یهودی می باشد. معروفترین آنها مقبره استر و مردخای و حیقوق در همدان، مقبره دانیال در شوش و پیغمبریه در قزوین است. معمولاً مسلمانان برای زیارت به مزار دانیال نبی می روند. مزار چندین تن از بزرگترین علماء یهود در ایران است؛ مانند **Harav Uresharga** در یزد و خاخام ملا موشه ها لوی **Hakham Mukkah Moshe Halevi (Moshe-Ha-Lavi)** در کاشان که حتی زایران مسلمان نیز بدین مکانها می روند.

یهودیان ایرانی در خارج از مرزهای ایران

جوامع یهودی ایرانی در خارج از ایران بسیار بیشتر آسیب دیده اند. پس از تهاجم ارتش سرخ شوروی در ۱۹۷۹ به افغانستان، اکثر یهودیان از آن کشور خارج شدند و علی الظاهر تنها یک یهودی در افغانستان باقی مانده است. در قزاقستان تنها چند خانواده یهودی باقی مانده اند که آرامی صحبت می کنند و خود را لخلوخ **Lakhloukh** می نامند. آنها هنوز اوراق هویت ایرانی دارند. اجداد آنها در حدود ۸۰ سال قبل از ایران فرار کرده اند.^{۱۴} یهودیان ایرانی ساکن هند از آزار به دور مانده اند و جزو یهودیان بغدادی به حساب می آیند. یهودیان ایرانی قرنهای در منطقه کوچ و همچنین در بمبئی ساکن بوده اند ولی اکثریت مطلق آنان پس از تاسیس اسرائیل به آن کشور مهاجرت کرده اند.

در ایالات متحده آمریکا، به خصوص در دو ایالت کالیفورنیا و نیویورک تعداد زیادی از یهودیان ایرانی ساکن هستند. بسیاری از آنها در بورلی هیلز **Beverly Hills** در لس آنجلس زندگی می کنند. بر طبق بعضی تخمینها حدود ۲۵ تا ۵۰ درصد ساکنان بورلی هیلز ایرانی هستند، و اکثر آنان یهودی می باشند؛ بدین ترتیب آنان یهودیان ایرانی-آمریکایی هستند. بر طبق مقاله ای ۸۰۰۰ نفر از ۳۵۰۰۰ نفر سکنه بورلی هیلز ایرانی می باشند. در ۲۱ مارس ۲۰۰۷، جیمی دلشاد در رای گیری که با برگه های دو زبانه فارسی و انگلیسی برگزار شد به عنوان شهردار بورلی هیلز انتخاب شد. بدین ترتیب او بلندپایه ترین مقام ایرانی-آمریکایی می باشد.

در اسرائیل یهودیان ایرانی در طبقه بندی Mizrahim قرار می گیرند. رییس جمهور اسرائیل، موشه کاتساو Moshe Katsav، و وزیر سابق دفاع و وزیر کنونی حمل و نقل، شاول موفاز Shaul Mofaz، اصالتاً یهودی ایرانی می باشند.

یهودیان ایرانی مشهور

- Bahram V پادشاه ساسانی مادر او یهودی بود (421-438).
- Dan Ahdoot کم‌دین
- Jonathan Ahdout بازیگر
- Sa'ad al-Dawla سعد الدوله پزشک و سیاستمدار
- Rashid al-Din رشید الدین پزشک، سیاستمدار و نویسنده
- David Alliance بازرگان بریتانیایی و سیاستمدار حزب لیبرال دمکرات
- Daniel Biblical character of the نویسنده کتاب دانیل
- Richard Danielpour آهنگساز
- Esther قهرمان کتاب استر
- Hacham Uriel Davidi رهبر مذهبی
- Soleiman Haim او از اولین افرادی بود که فرهنگ لغت دو زبانه نوشت
- Roya Hakakian نویسنده
- Dan Halutz رییس ستاد مشترک ارتش اسرائیل
- Moshe Katsav رییس جمهور اسرائیل
- Rita Kleinstein خواننده
- CEO Isaac Larian شرکت MGA
- Shaul Mofaz وزیر حمل و نقل در کابینه دولت فعلی اسرائیل
- Mordechai قهرمان کتاب استر
- Maurice Motamed عضو یهودی مجلس
- Gina Nahai نویسنده
- Benjamin Nahawandi دانشمند قرون وسطی
- Subliminal موسیقیدان و نوازنده تار
- Meulana Shahin Shirazi شاعر

- Bahar Soomekh بازیگر
- Tami Stronach طراح رقص
- Lotfi Zadeh ریاضیدان و متخصص کامپیوتر

منابع

- ۱ . <http://www.dangoor.com/TheScribe58.pdf>
- ۲ . <http://www.sephardicstudies.org/iran.html>
- ۳ . <http://www.cais-soas.com/CAIS/History/ashkanian/parthian.htm>
- ۴ . http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_Jews
- ۵ . http://en.wikipedia.org/wiki/History_of_the_Jews_in_Iran
- ۶ . http://en.wikipedia.org/wiki/Persian_Jews
- ۷ . <http://www.csmonitor.com/durable/1998/02/03/intl/intl.3.html>
- ۸ . <http://www.forward.com/articles/iranian-jews-reject-outside-calls-to-leave>
- ۹ . <http://thejewishweek.com/news/newscontent.php3?artid=12511>
- ۱۰ . <http://www.persianrabbi.com/content/view/74/2>
- ۱۱ . http://news.bbc.co.uk/2/hi/middle_east/5367892.stm
- ۱۲ . <http://www.state.gov/g/drl/rls/irf/2004/35497.htm>
- ۱۳ . http://en.wikipedia.org/wiki/Encyclopaedia_Judaica
- ۱۴ . http://en.wikipedia.org/wiki/Encyclopaedia_Judaica